



حبس

حبس در دو معنا استعمال شده است.
۱- اباحه مجانی منافع برای جهتی یا شخصی معین و یا عنوانی از عناوین. [۱]
۲- زندانی کردن.

فهرست مندرجات

- ۱ - به معنای اباحه منافع
 - ۱.۱ - معنای اصطلاحی
 - ۱.۲ - تفاوت حبس با وقف
 - ۱.۲.۱ - ملکیت
 - ۱.۲.۲ - مدت زمان
 - ۱.۳ - اقسام
 - ۱.۴ - ماهیت
 - ۱.۵ - مورد
 - ۱.۶ - شرایط
 - ۱.۷ - احکام
 - ۱.۷.۱ - حبس بر جهت
 - ۱.۷.۲ - حبس بر شخص
 - ۱.۷.۳ - حبس بر عنوان
- ۲ - به معنای زندانی کردن
 - ۲.۱ - معنا
 - ۲.۲ - مفهوم
 - ۲.۳ - در دوره اسلامی
 - ۲.۴ - ادله مشروعیت
 - ۲.۴.۱ - آیات
 - ۲.۴.۲ - سنت
 - ۲.۴.۳ - مصالح عمومی
 - ۲.۵ - باب فقهی
 - ۲.۶ - موارد
 - ۲.۷ - حاکم شرع
 - ۲.۸ - اهداف
 - ۲.۸.۱ - جریان بسالم تحقیق
 - ۲.۸.۲ - اقدام تأمینی
 - ۲.۸.۳ - وادار به انجام وظایف
 - ۲.۸.۴ - مجازات حد
 - ۲.۸.۵ - مجازات تعزیری
 - ۲.۹ - انواع حبس کیفری
 - ۲.۹.۱ - ابد
 - ۲.۹.۲ - موقت
 - ۲.۱۰ - احکام
 - ۲.۱۰.۱ - نماز
 - ۲.۱۰.۲ - محرم
 - ۲.۱۰.۳ - روزه
 - ۲.۱۰.۴ - طلاق
- ۳ - تاریخچه حبس
 - ۳.۱ - دوره قاجار
 - ۳.۲ - پس از انقلاب اسلامی
- ۴ - فهرست منابع
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

به معنای اباحه منافع

حیس به معنای نخست در اصطلاح **فقه** عبارت است از این که فردی، عینی معین از **ملک** خود را برای جهتی معین از جهات **خیر**، مانند **حیس مرکب** برای انتقال **حاجیان** به **مکه**، یا عنوانی از عناوین، مانند **حیس ملکی** برای **فقرا** یا **علما** و یا برای شخصی معین، **حیس** کند؛ بدین گونه که منافع آن - برای همیشه یا مدتی معین - در آن جهت یا برای آن عنوان یا شخص صرف گردد. [۳] [۴]

← تفاوت حیس با وقف

←← ملکیت

در **وقف** بنا بر **مشهور**، **عین** از **ملک** خارج می‌شود و یا بنا بر قول مقابل **مشهور**، موجب ممنوعیت **مالک** از همه تصرفات می‌گردد؛ هر چند از **ملک** خارج نمی‌شود؛ اما در **حیس**، **عین** در **ملک** مالک می‌ماند و وی از تصرفات غیر مزاحم با استیفای **منفعت** ممنوع نمی‌گردد؛ از این رو، فروختن **عین** **حیس** شده **جایز** است. [۴] [۵] [۶]

البته بنا بر قول به خروج **عین** از **ملک** در **حیس** دائم آن بر جهات **خیر**، این تفاوت در این نوع **حیس** منتفی است. [۷] [۸]

←← مدت زمان

در **وقف**، دائم بودن **شرط صحت** آن است؛ اما **حیس** به صورت موقت نیز صحیح است. [۹] [۱۰] [۱۱] [۱۲]

حیس در کنار **سکنی**، **عمری** و **رقبی**، عنوانی مستقل در **فقه** است؛ هر چند تعداد زیادی از **فقه**ا بسیاری از **احکام** آن را متعرض نشده و به اجمال بسنده کرده‌اند. [۱۳]

← اقسام

حیس بر دو گونه است:

حیس بر جهتی از جهات **خیر**، مانند **کعبه** معظم، **مساجد** و **مشاهد مشرفه** و **حیس** بر شخصی معین یا عنوانی عام، مانند **فقرا**. بر هر یک احکامی مترتب است که بدان‌ها اشاره خواهد شد.

← ماهیت

آیا **حیس** مطلقاً **عقد** است [۱۴] [۱۵] [۱۶] یا **حیس** بر شخص عقد است، اما **حیس** بر جهت **خیر** عقد نیست، بلکه **ایقاع** است؛ در نتیجه نیازی به **قبول ناظر** یا **حاکم** نیست [۱۷] [۱۸] [۱۹] مسئله اختلافی است. برخی در عقد بودن **حیس** بر شخص نیز اشکال و تأمل کرده‌اند. [۲۰] [۲۱]

← مورد

بنا بر تصریح بسیاری، آنچه **وقف** آن صحیح است، **حیس** آن نیز صحیح است. بنا بر این، **حیس** تنها در عینی صحیح است که با بقای آن انتفاع از آن امکان‌پذیر باشد.

از این جهت **حیس آب** برای **نوشیدن** صحیح نیست. [۲۲] [۲۳] [۲۴] [۲۵] [۲۶] [۲۷] [۲۸]

← شرایط

برای هر یک از **حیس**، **حیس** کننده، مال **حیسی** و **محبوس** علیه شرایطی ذکر شده است.

برخی، **قصد قربت** را شرط **صحت** **حیس** [۲۹] [۳۰] و برخی، **شرط لزوم** آن دانسته‌اند. [۳۱] [۳۲] [۳۳]

در اعتبار **قبض** (تحويل گرفتن **عین**) نیز اختلاف است که شرط **صحت** است [۳۴] [۳۵] [۳۶] [۳۷] یا شرط **لزوم** و یا تنها در **حیس** بر شخص **شرط** است. [۳۹]

در **حیس** کننده، شرایط **واقف** - مالک **عین** و **منفعت** بودن و **تام** بودن **ملک**، به معنای متعلق **حق** دیگری نبودن آن همچون **مال رهنی** - معتبر است.

شرایط مال **حیس** شده عبارتند از این که هنگام **حیس** موجود و معلوم باشد. **عین** باشد - نه **منفعت** و **دین** - قابل انتقال به **محبوس** علیه باشد و نیز به مقدار **زمان** **حیس** صلاحیت بقا داشته باشد.

در **محبوس** علیه همچون موقوف علیه، موجود و معین بودن و **اهلیت** داشتن برای استفاده از **منفعت** معتبر است. [۴۰]

← احکام

←← حیس بر جهت

این نوع **حیس** یا محدود به مدتی معین است یا تصریح بر دائم بودن آن شده و یا **مطلق** است.

حیس در فرض **نخست**، **لازم** است و مالک نمی‌تواند قبل از پایان یافتن مدّت، آن را بر هم زند و به **ملک** خود رجوع کند. [۴۱] [۴۲]

در فرض دوم نیز **لازم** است و تا زمانی که **عین** باقی است، تغییر آن **جایز** نیست؛ [۴۳] لیکن در این که **عین** **محبوس** از **ملک** خارج می‌شود یا نه، اختلاف است. [۴۴] [۴۵] [۴۶] [۴۷]

فرض سوم نیز حکم فرض دوم را دارد. [۴۸] [۴۹] [۵۰] [۵۱]

برخی، همسانی صورت سوم با صورت دوم در حکم را در فرضی دانسته‌اند که منظور **حیس** کننده از اطلاق، دوام باشد؛ بدین معنا که شاهدهی بر آن وجود داشته باشد. [۵۲]

←← حیس بر شخص

این نوع **حیس** یا مطلق است و یا محدود به مدتی معین؛ هر چند مدّت **حیات** یکی از **حیس** کننده یا کسی که برای او **حیس** شده، باشد.

در فرض اول، با **مرگ** **حیس** کننده، مال **حیس** شده به عنوان **میراث** به **ورثه** او منتقل می‌شود؛ لیکن در این که در این صورت **حیس** تا **مرگ** **حیس** کننده **لازم**

است و او **حِق** بر هم زدن و رجوع به مال را ندارد و یا جایز است و هر وقت بخواهد می‌تواند رجوع کند، اختلاف است. [۵۳] [۵۴] [۵۵]
در فرض دوم، حبس تا پایان مدت لازم است و پس از آن، به حبس کننده یا **وارث** او باز می‌گردد. [۵۶]

←← حبس بر عنوان

بنا بر تصریح برخی، این نوع حبس، حکم **حبس بر شخص** را دارد. [۵۷] [۵۸]

به معنای زندانی‌کردن

حَس، مجازاتی در فقه و حقوق به معنای بازداشتن **مجرم** یا **متهم** از تصرف در برخی امور خویش و ایجاد محدودیت برای او. از حبس به معنای دوم در باب‌های **صلات**، **حج**، **ایلاء**، **کفالت**، **قضاء**، **حدود** و **قصاص** سخن گفته‌اند.

← معنا

حبس در **لغت** به معنای بازداشتن و مکان بازداشت است [۵۹] [۶۰] [۶۱] و در **متون دینی** و **منابع فقهی** نیز به همین معنا به کار رفته است. [۶۲] [۶۳] [۶۴]
[۶۵] [۶۶] [۶۷] [۶۸] [۶۹] [۷۰]

بر این اساس، مفهوم واژه حبس صرفاً ناظر به محدود کردن شخص و بازداشتن او از دخالت و تصرف در امور خویش است و ویژگی‌های مکان حبس و میزان امکانات آنان در آن تأثیری ندارد. [۷۱]

← مفهوم

به تصریح برخی **فقه‌ها** (به عنوان مثال به این منابع رجوع کنید [۷۲] [۷۳] [۷۴])، مفهوم حبس اعم از **زندان** است و با شیوه‌هایی مانند نگاه داشتن فرد در **منزل** یا همراه بودن مداوم نگهبانان مدعی، با وی نیز تحقق می‌یابد.
با این همه، زندان بارزترین و کامل‌ترین مصداق حبس و واجد همه ویژگی‌های آن است؛ از این رو در بیشتر **متون فقهی**، حبس دقیقاً به معنای زندانی کردن به کار رفته است. [۷۵] [۷۶] [۷۷]

← در دوره اسلامی

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مواردی **فرمان** به حبس افراد دادند، [۷۸] [۷۹] [۸۰] [۸۱] [۸۲] ولی در زمان آن حضرت و همچنین در دوران **خلافت ابوبکر** زندان وجود نداشت و متهم یا مجرم در **مسجد** یا **دهلیز** و **دالان** خانه‌ها و با همراه شدن **نگهبان** یا **شاکی** با او و تحت نظر قرار دادن وی محبوس می‌شد.
در دوره خلافت **عمر بن خطاب**، با گسترش قلمرو **جامعه اسلامی**، منزلی در **مکه** خریداری شد و به زندان اختصاص یافت، نخستین بار در دوره **حکومت حضرت علی** علیه‌السلام، در **کوفه** زندان بنا شد. [۸۳] [۸۴] [۸۵] [۸۶]

← ادله مشروعیت

فقهای همه **مذاهب** در اصل **مشروعیت** حبس اتفاق نظر دارند.
از جمله دلایل ایشان عبارت است از:

←← آیات

در آیاتی از **قرآن** به حبس برخی مجرمان حکم شده است.
مثلاً در **آیه** پانزدهم **سوره نساء** **کیفر زن زناکار**، حبس در منزل تا زمان مرگ قرار داده شده، که این **حکم** با نزول **آیه دوم سوره نور** **نسخ** شده است. [۸۷] [۸۸]
[۸۹]
همچنین شماری از فقها مراد از نفی را در **آیه ۳۳ سوره مائده**، [۹۰] که یکی از کیفرهای **مُحارب** ذکر شده، حبس دانسته‌اند. [۹۱] [۹۲] [۹۳]
به **آیه ۱۰۶ سوره مائده** [۹۴] (**بازداشت**) و **آیه پنجم سوره توبه** نیز استناد شده است. [۹۵] [۹۶]

←← سنت

سنت و **سیره عملی** پیامبر اکرم و **امام علی** [۹۷] [۹۸] [۹۹] و نیز احادیث متعدد بر **مشروعیت حبس** دلالت دارند (برای نمونه به احادیث این منبع رجوع کنید [۱۰۰] [۱۰۱] [۱۰۲] [۱۰۳]).

←← مصالح عمومی

مصالح عمومی جامعه و ضرورت حفظ **امنیت** و صیانت از نفوس و اموال مردم اقتضا دارد که با حبس **بزه‌کاران** و مجرمان، از زیان رساندن آنان به مردم جلوگیری شود. [۱۰۴] [۱۰۵] [۱۰۶]

← باب فقهی

در کتاب‌های فقهی مبحثی مستقل به موضوع حبس اختصاص داده نشده و مباحث آن، ضمن ابواب دیگر آمده است.

← موارد

درباره موارد حبس نیز اتفاق نظر وجود ندارد.

مثلاً از میان **فقه‌های مالکی**، قرافی [۱۰۷] حبس را فقط در هشت مورد و ابن فرحون [۱۰۸] در ده مورد جایز دانسته‌اند؛ اما از **علمای شیعه**، **شهید اول**، [۱۰۹]

ضمن برشمردن موارد حبس، برای آن قاعده‌های کلی وضع کرده که به موجب آن، حبس به شرطی جایز است که احقاق حق، متوقف بر آن باشد.

← حاکم شرع

به نظر برخی فقهای شیعه تصمیم‌گیری درباره حبس افراد، دست کم در برخی موارد، منحصرأ در اختیار حاکم شرع و از شئون اوست. [۱۱۰] [۱۱۱] [۱۱۲]

← اهداف

از احادیث و آرای فقها می‌توان دریافت که تشریح حبس در اسلام اهداف گوناگونی داشته است:

← جریان سالم تحقیق

حبس متهم در جریان تحقیقات مقدماتی به منظور امکان دسترسی به او، جلوگیری از محو کردن آثار و ادله جرم، تبانی و فرار متهم (مانند حبس متهم به قتل). این‌گونه حبس جنبه کیفری ندارد. [۱۱۳]

← اقدام تأمینی

حبس به عنوان اقدام تأمینی برای پیش‌گیری از وقوع جرم و حفظ حقوق و اموال مردم، مانند حبس فرد مردم‌آزار، کسی که قصد کشتن فرزند خود را دارد، پزشک بدون صلاحیت یا عالم تبه‌کار. [۱۱۳] [۱۱۵] [۱۱۶] [۱۱۷] [۱۱۸] [۱۱۹] [۱۲۰]

← وادار به انجام وظایف

حبس فرد برای وادار کردن او به انجام دادن وظایفش به منظور جلوگیری از تباه شدن حقوق دیگران، مانند حبس زوج برای وادار کردن او به پرداخت نفقه و حبس بده‌کار برای ادا دین (برای احادیث به این منابع، [۱۳۱] [۱۳۲] برای آرای فقها به این منابع [۱۳۳] [۱۳۴] [۱۳۵] (برای نمونه‌های دیگر به این منبع [۱۳۶] [۱۳۷] رجوع کنید).

← مجازات حد

حبس به عنوان حد به منظور مجازات مجرم، مانند حبس سارق که پس از دو بار اجرای حد، برای بار سوم مرتکب سرقت شده و حبس زنی که مرتد شده است. [۱۲۸] [۱۲۹] [۱۳۰] [۱۳۱] [۱۳۲] [۱۳۳] [۱۳۴]

← مجازات تعزیری

حبس به عنوان مجازات تعزیری در جرایم مستوجب تعزیر، که حاکم شرع با توجه به شدت جرم و سوابق و ویژگی‌های مجرم، میزان آن را تعیین می‌کند. [۱۳۵] [۱۳۶] [۱۳۷] [۱۳۸] [۱۳۹] [۱۴۰]

در این قسم از حبس، با صلاحدید حاکم شرع، افزودن عقوبات دیگری مانند کاستن از امکانات محبس (زندان) و سخت‌گیری بر فرد حبس شده جایز است. [۱۴۱]

حبس تعزیری با کیفرهای حدود، قصاص، کفارات یا تعزیرات دیگر قابل جمع است [۱۴۲] (نیز برای تفصیل اقسام حبس در فقه اسلامی به این منبع رجوع کنید [۱۴۳] [۱۴۴]).

← انواع حبس کیفری

← ابد

کیفر بزه‌کاران ذیل حبس ابد است:

الف. کسی که فردی را نگه داشته و دیگری او را کشته است. [۱۴۵]

ب. کسی که فرمان به قتل دیگری داده و مأمور، او را کشته است.

مباشر در قتل نیز قصاص می‌شود؛ حتی بنا بر مشهور اگر بر قتل اکراه شده باشد. [۱۴۶]

ج. کسی که دو بار حد سرقت بر او جاری شده و برای بار سوم دزدی کرده است. [۱۴۷] [۱۴۸]

د. زن مرتد در صورتی که از ارتداد خود توبه نکند. [۱۴۹] [۱۵۰]

← موقت

مهم‌ترین موارد حبس موقت عبارت است از:

الف. خودداری زوج از رجوع و هم‌بستر شدن و یا طلاق دادن همسر، در صورتی که سوگند خورده باشد با او هم‌بستر نشود. حاکم شرع زوج را به زندان می‌افکند و در خوردن و آشامیدن بر او سخت می‌گیرد تا به یکی از دو کار گردن نهد. [۱۵۱] [۱۵۲]

ب. بده‌کاری که به رغم توانایی بر ادا دین از پرداخت آن خودداری می‌ورزد، حاکم می‌تواند او را به زندان افکند و بر او سخت بگیرد تا بدهی‌اش را بپردازد یا اموالش را بفروشد و بین طلب‌کاران تقسیم کند و در فرض ادعای اعسار اگر نتواند ادعای خود را ثابت کند، زندانی می‌شود تا آن را ثابت نماید. [۱۵۳] [۱۵۴]

ج. در کفالت کسی از دیگری، مکفول له می‌تواند از کفیل بخواهد جهت ادا حق، مکفول را احضار کند و در صورت خودداری وی از این کار، می‌تواند از حاکم بخواهد او را به زندان افکند تا مکفول را تحویل دهد یا خود، حق را بپردازد. [۱۵۵] [۱۵۶] [۱۵۷]

د. در اقرار اگر مقرب به چیزی مبهم اقرار نماید، حاکم وی را به تفسیر آن ملزم می‌کند و بنا بر قول مشهور در صورت امتناع از تفسیر، او را تا تبیین آن به زندان می‌افکند. [۱۵۸]

ه. به گفته برخی، اگر ولی مقتول نابالغ یا دیوانه باشد، قاتل تا زمان بلوغ کودک یا برطرف شدن دیوانگی مجنون، زندانی می‌شود و ولی آنان حق استیفای قصاص ندارد. [۱۵۹] [۱۶۰]

و. بنا بر قول عدّه‌ای، در جایی که **منکر سکوت** کند و حاضر به جواب نباشد، **قاضی** او را به زندان می‌افکند تا پاسخ دهد. [۱۶۱] [۱۶۲] ز. طبق نظر جمعی، متهم به قتل، در صورت درخواست **ولی دم**، از سوی قاضی زندانی می‌شود تا اقامه **بینه** کند. [۱۶۳] برخی، مدت حبس را شش روز [۱۶۴] [۱۶۵] و برخی **قدما** سه روز [۱۶۶] ذکر کرده‌اند. برخی دیگر گفته‌اند: در صورتی که قاضی نیز به سبب شواهدی او را متهم به **قتل** بداند، شش روز به زندان افکنده می‌شود و در غیر این صورت، حبس جایز نیست. [۱۶۷] [۱۶۸]

← احکام

←← نماز

بیشتر **فقها** برآنند که **نماز** زندانی در **مکان غصبی** در صورتی که مستلزم تصرفات زاید همچون **تخریب** یا کندن جایی نشود، همانند [نماز شخص مختار است، یعنی باید ایستاده و همراه **رکوع** و **سجود** به جا آورد. [۱۶۹] [۱۷۰] [۱۷۱] [۱۷۲]

←← محرم

بر **محرمی** که به جهت ناتوانی از **ادای دین** زندانی شده یا ستمگری او را حبس کرده، عنوان **مصدود** صادق است و با **قربانی** کردن از **احرام** بیرون می‌آید. [۱۷۳]

←← روزه

زندانی ناتوان از تحصیل **علم** به **ماه رمضان**، بنا بر **مشهور** به **ظن** خود عمل می‌کند و هر **ماه** را که گمان می‌برد **ماه رمضان** است **روزه** می‌گیرد و در صورت فقدان **ظن**، به اختیار خود، ماهی را ماه رمضان قرار می‌دهد و روزه می‌گیرد؛ لیکن اگر پس از آن معلوم شود آن ماه، رمضان نبوده، در صورتی که ماه رمضان قبل از آن ماهی بوده که روزه گرفته، کفایت می‌کند و اگر بعد از آن بوده و سپری شده باشد، باید **قضا** آن را بگیرد و اگر سپری نشده باشد همان ماه را روزه می‌گیرد. [۱۷۴] [۱۷۵] [۱۷۶]

←← طلاق

بنا بر قول برخی، مردی که به زندان ابد محکوم شده و رهایی‌اش ممکن نیست، در صورتی که **تحمل** چنین زندگی‌ای برای **همسرش** دشوار باشد، **حاکم** می‌تواند **زن** او را طلاق دهد. [۱۷۷]

تاریخچه حبس

مجازات‌های سلب کننده آزادی از دیر زمان در جوامع مطرح بوده است و به ویژه حاکمان، این مجازات را در مورد مخالفانشان اعمال می‌کرده‌اند. بعدها حبس به عنوان **کیفر** اصلی در **قوانین** پذیرفته شد.

← دوره قاجار

در دوره **قاجار**، در شهرهای بزرگ **ایران** زندان وجود داشت، اما کسی محکوم به **حبس ابد** یا **حبس با اعمال شاقه** نمی‌شد. رجال سیاسی نیز به طور اختصاصی اتاق‌هایی برای حبس افراد داشتند. کتابچه کنت دمونت فورت (رئیس پلیس تهران، ایتالیایی تبار) - که متنی قانونی بود و ناصرالدین شاه در ۱۲۹۶ آن را امضا و لازم الاجرا کرد- تا حدودی مصادیق و نحوه اجرای **کیفر حبس** را قاعده‌مند ساخت. به موجب مواد آن، برای جرم‌هایی مانند توطئه علیه **سلطنت**، **توهین** به **شاه** و خانواده سلطنتی، **جعل سکه** رایج ممالک و سرقت، **کیفر حبس** مقرر شد. [۱۷۸] [۱۷۹] [۱۸۰] در قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۱۲۰۴ ش چند نوع حبس پیش‌بینی شده بود، از جمله حبس (اعم از ابد و موقت) با اعمال شاقه، حبس مجرد (انفرادی) و **حبس تأدیبی**. در اصلاحیه ۱۲۵۲ ش، اعمال شاقه از قانون جزا حذف شد و **حبس جنایی** و **حبس جنجالی** جایگزین **حبس مجرد** و حبس تأدیبی گردید. [۱۸۱] [۱۸۲]

← پس از انقلاب اسلامی

در قوانین ایران پس از پیروزی **انقلاب اسلامی**، از جمله قانون مجازات اسلامی، گونه‌های مختلف حبس منظور شده است، مانند حبس در جرائم مستوجب **حد** و **حبس تعزیری**. همچنین یکی از انواع اقدامات تأمینی که به هدف حفظ منافع جامعه یا پیش‌گیری از وقوع یا تکرار جرم در موارد متعدد در قوانین پیش‌بینی شده، حبس یا نگاه‌داری در مکان‌های معین است. [۱۸۳] [۱۸۴] [۱۸۵] [۱۸۶]

فهرست منابع

- (۲) ابن تیمیه، مجموع الفتاوی، چاپ مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۲۱/۲۰۰۰.
- (۳) ابن جوزی، نواسخ القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، (بی‌تا).
- (۴) ابن سعید، الجامع للشرائع، قم ۱۴۰۵.
- (۵) ابن فرحون، کتاب تبصرة الحکام فی اصول الاقضیه و مناهج الاحکام، مصر ۱۲۰۱، چاپ افست بیروت (بی‌تا).
- (۶) ابن ماجه، سنن ابن ماجه، چاپ محمدفؤاد عبدالباقی، (قاهره ۱۳۷۳/۱۹۵۴)، چاپ افست (بیروت، بی‌تا).
- (۷) ابن منظور، لسان العرب.
- (۸) محمد بن عبدالله احمد، حکم الحبس فی الشریعة الاسلامیه: السجن، الملازمة، التّقی، ریاض ۱۴۰۴/۱۹۸۴.
- (۹) محمد باهری و علی‌اکبر داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، مقارنه و تطبیق رضا شکر، تهران ۱۳۸۰ ش.
- (۱۰) احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، بیروت: دارالفکر، (بی‌تا).
- (۱۱) اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح: تاج‌اللغة و صحاح العربیة، چاپ احمد عبدالغفور عطار، قاهره ۱۳۷۶، چاپ افست بیروت ۱۴۰۷.
- (۱۲) حرّ عاملی، وسائل الشیعة.

- (۱۳) خليل بن احمد، كتاب العين، چاپ مهدي مخزومي و ابراهيم سامرائي، قم ۱۴۰۹.
- (۱۴) محمدتقي دامغانی، صد سال پیش از این: مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق جدید ایران، (تهران) ۱۳۵۷ ش.
- (۱۵) تاج‌زمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، تهران ۱۳۷۶ ش.
- (۱۶) محمد بن احمد شمس‌الامنه سرخسی، کتاب المیسوط، قاهره ۱۳۲۴-۱۳۳۱، چاپ افست استانبول ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
- (۱۷) محمد بن مکی شهید اول، القواعد و الفوائد: فی الفقه و الاصول و العربیة، چاپ عبدالهادی حکیم، (نجف) ۱۳۹۹/۱۹۷۹، چاپ افست قم (بی‌تا).
- (۱۸) عبدالرزاق بن همام صنعانی، المصنّف، چاپ حبیب‌الرحمان اعظمی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
- (۱۹) محمدکاظم بن عبدالعظیم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، چاپ محمدحسین طباطبائی، قم: مکتبة الداوری، (بی‌تا).
- (۲۰) طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن.
- (۲۱) نجم‌الدین طبرسی، موارد السّجن فی التّصوص و الفتاوی، قم ۱۳۷۴ ش.
- (۲۲) محمد بن حسن طوسی، المیسوط فی فقه الامامیة، چاپ محمدباقر بهبودی، تهران ۱۳۸۸.
- (۲۳) محمد بن حسن فخرالمحققین، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، چاپ حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهااردی، و عبدالرحیم بروجردی، قم ۱۳۸۹-۱۳۸۷، چاپ افست ۱۳۶۳ ش.
- (۲۴) ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران ۱۳۶۶ ش.
- (۲۵) احمد بن ادریس قزاقی، الفروق، أو، أنوار البروق فی أنواء الفروق، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۸.
- (۲۶) محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
- (۲۷) ابوبکر بن مسعود کاسانی، کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
- (۲۸) محمد عبدالحی بن عبدالکبیر کنانی، نظام الحكومة النبویة، المسمی التراتیب الاداریة، بیروت: دارالکتب العربی، (بی‌تا).
- (۲۹) کلینی، اصول کافی.
- (۳۰) احمد بن علی مقریزی، کتاب الخطط المقریزیة، مصر ۱۳۲۵.
- (۳۱) حسینعلی منتظری، دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، قم ۱۴۰۹-۱۴۱۱.
- (۳۲) الموسوعة الفقهیة، ج ۱۶، کویت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیة، ۱۴۰۹/۱۹۸۸.
- (۳۳) محمدحسن بن باقر نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت ۱۹۸۱.
- (۳۴) احمد وائلی، احکام زندان در اسلام، ترجمه و توضیحات محمدحسن بکائی، تهران ۱۳۶۷ ش.

پانویس

۱. ↑ فقه الامام جعفرالصادق، ج ۵، ص ۸۶.
۲. ↑ کلمة التقوی، ج ۶، ص ۱۶۲.
۳. ↑ منهاج الصالحین (خوبی)، ج ۲، ص ۲۵۵.
۴. ↑ هداية العباد (گلبایگانی)، ج ۲، ص ۱۴۲.
۵. ↑ مهذب الاحکام، ج ۲۲، ص ۲۶.
۶. ↑ تحرير المجلة، قسم ۲، ج ۲، ص ۷۰.
۷. ↑ الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۲۸۲.
۸. ↑ جامع المقاصد، ج ۹، ص ۱۳۷.
۹. ↑ تحرير المجلة، قسم ۲، ج ۲، ص ۷۱.
۱۰. ↑ الانوار اللوامع، ج ۲، ص ۲۷۵.
۱۱. ↑ مسالك الافهام، ج ۵، ص ۲۵۳.
۱۲. ↑ مسالك الافهام، ج ۵، ص ۲۶۶.
۱۳. ↑ الشرح الصغير، ج ۲، ص ۲۵۵.
۱۴. ↑ تحرير الأحكام، ج ۲، ص ۲۲۲.
۱۵. ↑ جامع المقاصد، ج ۹، ص ۱۲۷-۱۲۸.
۱۶. ↑ الانوار اللوامع، ج ۱۲، ص ۲۲۵-۲۲۷.
۱۷. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۸، ص ۱۵۳-۱۵۴.
۱۸. ↑ منهاج الصالحین (خوبی)، ج ۲، ص ۲۵۵.
۱۹. ↑ المناهل، ص ۵۲۰.
۲۰. ↑ منهاج الصالحین (سید محمد سعید حکیم)، ج ۲، ص ۲۹۰.
۲۱. ↑ کلمة التقوی، ج ۶، ص ۱۶۵.
۲۲. ↑ الانوار اللوامع، ج ۱۲، ص ۲۲۵-۲۲۶.
۲۳. ↑ الشرح الصغير، ج ۲، ص ۲۵۵.
۲۴. ↑ حاشیة شرائع الاسلام، ص ۵۳۵.
۲۵. ↑ الحدائق الناضرة، ج ۲۲، ص ۲۹۶.
۲۶. ↑ كفاية الاحکام، ج ۲، ص ۲۶.
۲۷. ↑ مفتاح الكرامة، ج ۱۸، ص ۲۴۴.
۲۸. ↑ المناهل، ص ۵۲۰.
۲۹. ↑ تذكرة الفقهاء (ق)، ج ۲، ص ۴۴۸.
۳۰. ↑ جامع المقاصد، ج ۹، ص ۱۳۷.
۳۱. ↑ منهاج الصالحین (خوبی)، ج ۲، ص ۲۵۳.
۳۲. ↑ کلمة التقوی، ج ۶، ص ۱۶۲.
۳۳. ↑ منهاج الصالحین (سید محمدسعید حکیم)، ج ۲، ص ۲۹۰.
۳۴. ↑ تحرير الاحکام، ج ۲، ص ۲۲۲.
۳۵. ↑ جامع المقاصد، ج ۹، ص ۱۳۷.
۳۶. ↑ منهاج الصالحین (خوبی)، ج ۲، ص ۲۵۳.
۳۷. ↑ منهاج الصالحین (سید محمدسعید حکیم)، ج ۲، ص ۲۹۰.
۳۸. ↑ کلمة التقوی، ج ۶، ص ۱۶۲-۱۶۴.
۳۹. ↑ منهاج الصالحین (سیستانی)، ج ۲، ص ۴۲۲.
۴۰. ↑ كشف الغطاء، ج ۴، ص ۲۷۸-۲۷۹.
۴۱. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۸، ص ۱۵۳.
۴۲. ↑ کلمة التقوی، ج ۶، ص ۱۶۴.
۴۳. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۸، ص ۱۵۳.
۴۴. ↑ الدروس الشرعية، ج ۲، ص ۲۸۲.
۴۵. ↑ جامع المقاصد، ج ۹، ص ۱۳۷.
۴۶. ↑ جواهر الكلام، ج ۲۸، ص ۱۵۳.
۴۷. ↑ منهاج الصالحین (خوبی)، ج ۲، ص ۲۵۳.
۴۸. ↑ تذكرة الفقهاء (ق)، ج ۲، ص ۴۴۸.
۴۹. ↑ تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۷۷.

٥٠. ↑ منهاج الصالحين (خوبی)، ج ٢، ص ٢٥٢. 📖
٥١. ↑ كلمة التقوى، ج ٦، ص ١٦٤. 📖
٥٢. ↑ منهاج الصالحين (سيد محسن حكيم «حاشيه صدر»)، ج ٢، ص ٢٦٧. 📖
٥٣. ↑ قواعد الاحكام، ج ٢، ص ٤٠٤. 📖
٥٤. ↑ جواهر الكلام، ج ٢٨، ص ١٥٤. 📖
٥٥. ↑ منهاج الصالحين (خوبی)، ج ٢، ص ٢٥٢. 📖
٥٦. ↑ جواهر الكلام، ج ٢٨، ص ١٥٤. 📖
٥٧. ↑ تحرير الوسيلة ج ٢، ص ٨٧. 📖
٥٨. ↑ كلمة التقوى، ج ٦، ص ١٦٤-١٤٥. 📖
٥٩. ↑ خليل بن احمد، كتاب العين، ذيل وازه، چاپ مهدي مخزومي و ابراهيم سامرائی، قم ١٤٠٩. 📖
٦٠. ↑ اسماعيل بن حماد جوهري، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، ذيل وازه، چاپ احمد عبدالغفور عطار، قاهره ١٣٧٦، چاپ افست بيروت ١٤٠٧. 📖
٦١. ↑ ابن منظور، لسان العرب، ذيل وازه. 📖
٦٢. ↑ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ٩٨، چاپ محمدفؤاد عبدالباقي، (قاهره ١٩٥٤/١٣٧٢)، چاپ افست (بيروت، بی تا).
٦٣. ↑ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ٨١١، چاپ محمدفؤاد عبدالباقي، (قاهره ١٩٥٤/١٣٧٢)، چاپ افست (بيروت، بی تا).
٦٤. ↑ كليني، اصول كافي، ج ٢، ص ٥٦٠. 📖
٦٥. ↑ كليني، اصول كافي، ج ٧، ص ٢٤٢. 📖
٦٦. ↑ كليني، اصول كافي، ج ٧، ص ٤٣٣. 📖
٦٧. ↑ كليني، اصول كافي، ج ٨، ص ١٢٤. 📖
٦٨. ↑ كليني، اصول كافي، ج ٨، ص ١٩٢. 📖
٦٩. ↑ محمد بن حسن طوسي، الميسوط في فقه الامامية، ج ٣، ص ٢٨٦، چاپ محمدباقر بهبودی، تهران ١٣٨٨. 📖
٧٠. ↑ محمد بن حسن طوسي، الميسوط في فقه الامامية، ج ٤، ص ٣٤٢، چاپ محمدباقر بهبودی، تهران ١٣٨٨. 📖
٧١. ↑ حسينعلي منتظري، دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية، ج ٢، ص ٢٢٢، قم ١٤٠٩/١٣٩١. 📖
٧٢. ↑ ابن تيميه، مجموع الفتاوى، ج ١٩٩، جزء ٣٥، ص ١٨٧، چاپ مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت ٢٠٠٠/١٤٢١. 📖
٧٣. ↑ ابن فرجون، كتاب تبصرة الحكام في اصول الاقضية و مناهج الاحكام، ج ٢، ص ٢١٥، مصر ١٣٠١، چاپ افست بيروت (بی تا).
٧٤. ↑ حسينعلي منتظري، دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية، ج ٢، ص ٤٣٤، قم ١٤٠٩/١٣٩١. 📖
٧٥. ↑ احمد وائلي، احكام زندان در اسلام، ج ١، ص ١١٠-١١١، ترجمه و توضيحات محمدحسن بكنای، تهران ١٣٤٧ ش.
٧٦. ↑ محمد بن عبدالله احمد، حكم الحبس في الشريعة الاسلامية: السجن، ج ١، ص ٣٠، الملازمة، الثقي، رياض ١٩٨٤/١٤٠٤.
٧٧. ↑ محمد بن عبدالله احمد، حكم الحبس في الشريعة الاسلامية: السجن، ج ١، ص ٣٢-٣٣، الملازمة، الثقي، رياض ١٩٨٤/١٤٠٤.
٧٨. ↑ عبدالرزاق بن همام صنعاني، المصنّف، ج ١٠، ص ٢١٧-٢١٦، چاپ حبيب الرحمان اعظمی، بيروت ١٩٨٢/١٤٠٣.
٧٩. ↑ احمد بن حسين بيهقي، السنن الكبرى، ج ٦، ص ٥٢٠-٥٢١، بيروت: دارالفكر، (بی تا).
٨٠. ↑ احمد بن حسين بيهقي، السنن الكبرى، ج ٦، ص ٣١٩، بيروت: دارالفكر، (بی تا).
٨١. ↑ احمد بن حسين بيهقي، السنن الكبرى، ج ٨، ص ٥١٥-٥١٥، بيروت: دارالفكر، (بی تا).
٨٢. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ٢٨، ص ١٥٠-١٥١. 📖
٨٣. ↑ ابن فرجون، كتاب تبصرة الحكام في اصول الاقضية و مناهج الاحكام، ج ٢، ص ٢١٥-٢١٦، مصر ١٣٠١، چاپ افست بيروت (بی تا).
٨٤. ↑ احمد بن علي مقرئزي، كتاب الخط المقرئزي، ج ٣، ص ٣٠٢-٣٠٤، مصر ١٣٢٥.
٨٥. ↑ محمد عبدالحی بن عبدالکبير کتانی، نظام الحكومة النبوية، ج ١، ص ٢٩٤-٣٠٠، المسمى التراثي الادارية، بيروت: دارالكتاب العربي، (بی تا).
٨٦. ↑ احمد وائلي، احكام زندان در اسلام، ج ١، ص ١٢٤-١٢٨، ترجمه و توضيحات محمدحسن بكنای، تهران ١٣٤٧ ش.
٨٧. ↑ ابن جوزي، نواسخ القرآن، ج ١، ص ١٢٠-١٢٢، بيروت: دارالکتب العلميه، (بی تا).
٨٨. ↑ طبرسی، مجمع البيان في تفسير القرآن، ذيل نور: ٢. 📖
٨٩. ↑ نور/سوره ٢٤، آيه ٢. 📖
٩٠. ↑ مائده/سوره ٥، آيه ٣٣. 📖
٩١. ↑ ابوبكر بن مسعود كاساني، كتاب بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ٧، ص ٩٥، بيروت ١٩٨٢/١٤٠٣.
٩٢. ↑ محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، ذيل مائده: ٢٣، بيروت ١٩٨٥/١٤٠٥.
٩٣. ↑ نجم الدين طيبي، موارد السّجن في التّصوّص و الفتاوى، ج ١، ص ٢٥٧-٢٥٨، قم ١٣٧٤ ش.
٩٤. ↑ مائده/سوره ٥، آيه ١٠٦. 📖
٩٥. ↑ حسينعلي منتظري، دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية، ج ٢، ص ٤٢٥-٤٢٦، قم ١٤٠٩/١٣٩١. 📖
٩٦. ↑ الموسوعة الفقهية، ج ١٦، ص ٢٨٥-٢٨٦، كويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية، ١٩٨٨/١٤٠٩.
٩٧. ↑ عبدالرزاق بن همام صنعاني، المصنّف، ج ٩، ص ٤٨٠-٤٨١، چاپ حبيب الرحمان اعظمی، بيروت ١٩٨٢/١٤٠٣.
٩٨. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ١٨، ص ٤١٨٤-٤١٩.
٩٩. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ١٨، ص ٤٣٠-٤٣١.
١٠٠. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ٢٧، ص ٣٣٤.
١٠١. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ٢٨، ص ٢٤٩.
١٠٢. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ٢٨، ص ٣٣١.
١٠٣. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ٢٩، ص ٣٣٤-٣٣٥.
١٠٤. ↑ احمد وائلي، احكام زندان در اسلام، ج ١، ص ١١٩-١٢١، ترجمه و توضيحات محمدحسن بكنای، تهران ١٣٤٧ ش.
١٠٥. ↑ حسينعلي منتظري، دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية، ج ٢، ص ٤٣٤، قم ١٤٠٩/١٣٩١. 📖
١٠٦. ↑ الموسوعة الفقهية، ج ١٦، ص ٢٨٦، كويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية، ١٩٨٨/١٤٠٩.
١٠٧. ↑ احمد بن ادریس قرافي، الفروق، ج ٤، ص ١٧٩-١٨٠، أو، أنوار البروق في أنوار الفروق، بيروت ١٩٩٨/١٤١٨.
١٠٨. ↑ ابن فرجون، كتاب تبصرة الحكام في اصول الاقضية و مناهج الاحكام، ج ٢، ص ٢١٧-٢١٨، مصر ١٣٠١، چاپ افست بيروت (بی تا).
١٠٩. ↑ محمد بن مكی شهيد اول، القواعد و الفوائد: في الفقه و الاصول و العربية، ج ١، ص ١٩٢-١٩٣، چاپ عبدالهادی حكيم، (نجف ١٣٩٩/١٣٩٩)، چاپ افست قم (بی تا).
١١٠. ↑ محمد بن حسن فخرالمحققين، ابضاح الفوائد في شرح اشكالات القواعد، ج ٢، ص ٣٠٨، چاپ حسين موسوي کرمانی، علی پناه اشتهاردی، و عبدالرحيم بروجردی، قم ١٣٨٩/١٣٨٩، چاپ افست ١٣٤٣ ش. 📖
١١١. ↑ محمدحسن بن باقر نجفی، جواهرالكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ٢٥، ص ٣٥٣، بيروت ١٩٨١. 📖
١١٢. ↑ محمدکاظم بن عبدالعظيم طباطبائي يزدي، العروة الوثقى، ج ٢، ص ٥١، چاپ محمدحسين طباطبائي، قم: مكتبة الداوری، (بی تا).
١١٣. ↑ نجم الدين طيبي، موارد السّجن في التّصوّص و الفتاوى، ج ١، ص ٢٧-٤٦، قم ١٣٧٤ ش.
١١٤. ↑ محمد بن احمد شمس الائمة سرخسی، كتاب الميسوط، ج ٢٠، ص ٩٠، قاهره ١٣٢٤-١٣٢١، چاپ افست استانبول ١٩٨٢/١٤٠٣.
١١٥. ↑ ابن سعید، الجامع للشرائع، ج ١، ص ٥٤٨، قم ١٤٠٥. 📖
١١٦. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ٢٧، ص ٣٠١. 📖
١١٧. ↑ الموسوعة الفقهية، ج ١٦، ص ٢٩٩، كويت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية، ١٩٨٨/١٤٠٩.
١١٨. ↑ نجم الدين طيبي، موارد السّجن في التّصوّص و الفتاوى، ج ١، ص ١٠٢، قم ١٣٧٤ ش.
١١٩. ↑ نجم الدين طيبي، موارد السّجن في التّصوّص و الفتاوى، ج ١، ص ١٧٦-١٧٧، قم ١٣٧٤ ش.
١٢٠. ↑ نجم الدين طيبي، موارد السّجن في التّصوّص و الفتاوى، ج ١، ص ٢١٢-٢١٤، قم ١٣٧٤ ش.
١٢١. ↑ عبدالرزاق بن همام صنعاني، المصنّف، ج ٨، ص ٢٠٥-٢٠٦، چاپ حبيب الرحمان اعظمی، بيروت ١٩٨٢/١٤٠٣.
١٢٢. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشيعه، ج ٢٢، ص ٣٥٣-٣٥٥. 📖
١٢٣. ↑ محمد بن حسن طوسي، الميسوط في فقه الامامية، ج ٤، ص ٣٢٢-٣٢٣، چاپ محمدباقر بهبودی، تهران ١٣٨٨. 📖
١٢٤. ↑ محمد بن احمد شمس الائمة سرخسی، كتاب الميسوط، ج ٥، ص ١٨٧-١٨٨، قاهره ١٣٢٤-١٣٢١، چاپ افست استانبول ١٩٨٢/١٤٠٣.
١٢٥. ↑ محمد بن احمد شمس الائمة سرخسی، كتاب الميسوط، ج ٢٤، ص ١٤٥-١٤٦، قاهره ١٣٢٤-١٣٢١، چاپ افست استانبول ١٩٨٢/١٤٠٣.

۱۲۶. ↑ نجم‌الدین طیبسی، موارد السّجن فی التّصوص و الفتاوی، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۱، قم ۱۳۷۴ ش.
۱۲۷. ↑ نجم‌الدین طیبسی، موارد السّجن فی التّصوص و الفتاوی، ج ۱، ص ۳۱۴-۳۱۱، قم ۱۳۷۴ ش.
۱۲۸. ↑ عبدالرزاق بن همام صنعانی، المصنّف، ج ۱۰، ص ۱۸۶، چاپ حبیب‌الرحمان اعظمی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
۱۲۹. ↑ کلینی، اصول کافی، ج ۷، ص ۲۲۲۲۲۲.
۱۳۰. ↑ کلینی، اصول کافی، ج ۷، ص ۲۵۶.
۱۳۱. ↑ کلینی، اصول کافی، ج ۷، ص ۳۷۰.
۱۳۲. ↑ محمدحسین بن باقر نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، ص ۵۳۲۵۳۵، بیروت ۱۹۸۱.
۱۳۳. ↑ محمدحسین بن باقر نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، ص ۶۱۱۶۱۲، بیروت ۱۹۸۱.
۱۳۴. ↑ الموسوعة الفقهیة، ج ۱۶، ص ۱۶، ج ۲۰۷، کویت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیة، ۱۴۰۹/۱۹۸۸.
۱۳۵. ↑ کلینی، اصول کافی، ج ۷، ص ۲۲۶.
۱۳۶. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۳۴.
۱۳۷. ↑ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۳۳۲۳۳۵.
۱۳۸. ↑ نجم‌الدین طیبسی، موارد السّجن فی التّصوص و الفتاوی، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۲۵، قم ۱۳۷۴ ش.
۱۳۹. ↑ نجم‌الدین طیبسی، موارد السّجن فی التّصوص و الفتاوی، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۵۹، قم ۱۳۷۴ ش.
۱۴۰. ↑ نجم‌الدین طیبسی، موارد السّجن فی التّصوص و الفتاوی، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۰۵، قم ۱۳۷۴ ش.
۱۴۱. ↑ حسینعلی منتظری، دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، ج ۲، ص ۴۴۴۴۳۷، قم ۱۴۰۹/۱۳۱۱.
۱۴۲. ↑ الموسوعة الفقهیة، ج ۱۶، ص ۱۶، ج ۲۸۷، کویت: وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامیة، ۱۴۰۹/۱۹۸۸.
۱۴۳. ↑ احمد وائلی، احکام زندان در اسلام، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۳۲، ترجمه و توضیحات محمدحسین بکائی، تهران ۱۳۶۷ ش.
۱۴۴. ↑ احمد وائلی، احکام زندان در اسلام، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۲، ترجمه و توضیحات محمدحسین بکائی، تهران ۱۳۶۷ ش.
۱۴۵. ↑ جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۴۶.
۱۴۶. ↑ مبانى تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۱۲.
۱۴۷. ↑ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۳۳.
۱۴۸. ↑ مبانى تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳۰۴.
۱۴۹. ↑ جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۱۱.
۱۵۰. ↑ مبانى تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۲۳۱.
۱۵۱. ↑ جواهر الکلام، ج ۳۳، ص ۳۱۵.
۱۵۲. ↑ تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۲۵۷.
۱۵۳. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۵، ص ۲۶۱-۲۵۲.
۱۵۴. ↑ مستند الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۸۵.
۱۵۵. ↑ مسالك الافهام، ج ۴، ص ۲۳۶.
۱۵۶. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۱۸۹.
۱۵۷. ↑ تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۲۶-۲۵.
۱۵۸. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۵، ص ۲۳-۲۲.
۱۵۹. ↑ الخلاف، ج ۵، ص ۱۷۹.
۱۶۰. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۱۹۱.
۱۶۱. ↑ مسالك الافهام، ج ۱۳، ص ۴۶۶.
۱۶۲. ↑ جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۲۰۸.
۱۶۳. ↑ جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۲۷۶.
۱۶۴. ↑ الأقطاب الفقهیة، ص ۱۶۷.
۱۶۵. ↑ مبانى تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۱۲۳.
۱۶۶. ↑ الوسيلة، ص ۴۶۱.
۱۶۷. ↑ مختلف الشیعة، ج ۹، ص ۳۰۶.
۱۶۸. ↑ ابضاح الفوائد، ج ۲، ص ۶۳۰.
۱۶۹. ↑ جواهر الکلام، ج ۸، ص ۲۹۹.
۱۷۰. ↑ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۶۹.
۱۷۱. ↑ مهذب الاحکام، ج ۵، ص ۲۸۷.
۱۷۲. ↑ مستند العروة (الصلاة)، ج ۳، ص ۲۷.
۱۷۳. ↑ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۱۳۰.
۱۷۴. ↑ مستمسک العروة، ج ۸، ص ۴۷۶.
۱۷۵. ↑ مستند العروة (الصلاة)، ج ۲، ص ۱۲۶-۱۲۷.
۱۷۶. ↑ مهذب الاحکام، ج ۱۰، ص ۳۷۹.
۱۷۷. ↑ العروة الوثقی تکملة، ج ۲، ص ۷۵.
۱۷۸. ↑ ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۳۲، ترجمه ابوالقاسم سبکی، تهران ۱۳۶۶ ش.
۱۷۹. ↑ محمدتقی دامغانی، صد سال پیش از این: مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق جدید ایران، ج ۱، ص ۱۹، (تهران) ۱۳۵۷ ش.
۱۸۰. ↑ محمدتقی دامغانی، صد سال پیش از این: مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق جدید ایران، ج ۱، ص ۲۸-۲۲، (تهران) ۱۳۵۷ ش.
۱۸۱. ↑ محمد باهری و علی‌اکبر داور، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۲۸۷-۲۸۵، مقارنه و تطبیق رضا شکری، تهران ۱۳۸۰ ش.
۱۸۲. ↑ تاج‌زمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، ص ۸۵-۸۳، تهران ۱۳۷۶ ش.
۱۸۳. ↑ تاج‌زمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۲۳، تهران ۱۳۷۶ ش.
۱۸۴. ↑ تاج‌زمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، ص ۱۲۸، تهران ۱۳۷۶ ش.
۱۸۵. ↑ تاج‌زمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، ص ۱۳۱، تهران ۱۳۷۶ ش.
۱۸۶. ↑ تاج‌زمان دانش، حقوق زندانیان و علم زندانها، ج ۱، ص ۱۳۷، تهران ۱۳۷۶ ش.

منبع

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «حبس»، شماره ۵۷۷۲.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۲، ص ۲۰۲-۲۰۶.

